

Lived Experience of Married Women with Marriage Without Parental Consent: A Phenomenological Study

Zahra Moradi 

PhD Student in Counseling, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Esmail Sadri Damirchi 

Associate Professor, Department of Counseling, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Hossein Keshavarz Afshar 

Assistant Professor, Department of Counseling, University of Tehran, Tehran, Iran.

Shahriar Dargahi 

PhD student in Counseling, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Abstract

Marriage as a way to attain peace and human needs has always been front of him and people always try to make the best choice for their partner to have a life full of satisfaction. Therefore, the present study seeks to investigate the lived experience in women who married without parental consent. The research was carried out with a qualitative approach and phenomenological model. The statistical population of the study included 15 women who married without family consent and therefore have no relationship with their original family, were selected by purposive sampling method and sampling continued until data saturation and lack of access to new data. The qualitative research method used was semi-structured interview. All interviews were recorded and transcribed verbatim and analyzed by using the Coliseum method. In this study, 4 main subjects and several minor subjects were extracted. The main subjects included: marital satisfaction, feeling lonely, distress tolerance and mutual support. According to Iranian culture and the deep influence of the family, the issue of family and parental satisfaction is a case that couples should pay special attention to when choosing and deciding to get married. The results of the present study showed low marital satisfaction, high loneliness, and low mutual support in

* Corresponding Author: e.sadri@uma.ac.ir

How to Cite: Moradi, Z., Sadri Damirchi, E., Keshavarz Afshar, H., Dargahi, S. (2022). Lived Experience of Married Women with Marriage Without Parental Consent: A Phenomenological Study, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 13(50), 225-252.

the women. Also, relatively high distress tolerance has been obtained from the results.

Keywords: Lived Experience, Women, Marriage Without Family Permission, Phenomenological Study.



تجربه زیسته زنان متأهل دارای ازدواج بدون رضایت والدین: یک مطالعه پدیدارشناسی

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

zhera.meradi@id

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

asmaeil.sadri@id*

استادیار گروه مشاوره دانشگاه تهران، تهران، ایران.

hossein.kashoorzafshar@id

دانشجوی دکتری رشته مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

shahriyar.dargahi@id

چکیده

ازدواج به‌عنوان مسیری جهت کسب آرامش و تأمین نیازهای انسان همواره پیش روی او بوده است و افراد همیشه سعی می‌کنند بهترین انتخاب را برای شریک زندگی خود داشته باشند تا زندگی سرشار از رضایت داشته باشند. هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته در زنانی است که بدون رضایت والدین ازدواج کرده‌اند. پژوهش با رویکرد کیفی و الگوی پدیدارشناسی انجام شد. جامعه مورد مطالعه ۱۵ نفر از زنانی که بدون رضایت خانواده خود ازدواج کرده و به همین دلیل با خانواده مبدأ خود ارتباط ندارند، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها و عدم دستیابی به داده‌های جدید ادامه یافت. روش تحقیق کیفی مورد استفاده مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. تمام مصاحبه‌ها ضبط و کلمه به کلمه پیاده شد و با استفاده از روش کولیزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مطالعه ۴ درون‌مایه اصلی و ۱۶ درون‌مایه فرعی بررسی و استخراج شد. درون‌مایه‌های اصلی که شامل: رضایت زناشویی، احساس تنهایی، تحمل پریشانی و حمایت متقابل بود. با توجه به فرهنگ ایرانی و تأثیر عمیق خانواده، مسئله رضایت خانواده و والدین موردی هست که زوجین در حین انتخاب و تصمیم خود برای ازدواج، باید مورد توجه

ویژه قرار دهند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از رضایت زناشویی پایین، احساس تنهایی بالا و حمایت متقابل پایین در زنان مورد پژوهش بود. همچنین تحمل پریشانی به نسبت بالا از نتایج به دست آمده است.

کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، زنان، ازدواج، بدون رضایت والدین، مطالعه پدیدارشناسی.



مقدمه

مرحله تشکیل خانواده و ازدواج اولین و مهم‌ترین مرحله در سیکل زندگی خانوادگی می‌باشد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد. ازدواج نقش بسیار مهمی در زندگی اکثر بزرگسالان دارد، به طوری که به عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر استرس عمل کرده و به زندگی فرد معنا می‌بخشد (اترو، ولز، چن، براون، کنلی، لینسون، فردیکسون^۱، ۲۰۲۰). از آنجایی که روابط سالم در جامعه بر اساس روابط سالم در خانواده شکل می‌گیرد و هراندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است؛ بنابراین یافتن مسائل در خانواده‌ها و تحلیل و تعلیل آن‌ها، می‌تواند به ثبات خانواده و تربیت صحیح فرزندان کمک کند (عباسی و قلی‌پور، ۱۳۹۸). ازدواج نوعی تعهد عاطفی و حقوقی است که افراد در بزرگسالی می‌پذیرند. ازدواج ارتباطی است که دارای ویژگی‌های بی‌نظیری و گسترده‌ای می‌باشد، ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، هم‌زیستی زن و شوهر در درون خانواده موجب ارتباط عمیق و همه‌جانبه‌ای می‌شود که بی‌هیچ شک و شبه‌ای قابل مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی نمی‌باشد، به نحوی که قرار داد ناشی از آن دارای نوعی تقدس شده است (ابراهیمی، کرایبی، عباس‌پور و شهبازی، ۱۳۹۹). رضایت زناشویی^۲ یک جنبه بسیار مهم هر رابطه زناشویی محسوب می‌شود که متأثر نیازها و ظرفیت همسر و همچنین بافتی است که زوجین در آن زندگی می‌کنند (کیچ و یالدرام^۳، ۲۰۱۸). رضایت از زندگی زناشویی بر میزان سلامت روانی، جسمانی، رضایت از زندگی و موفقیت در ارتباطات اجتماعی مؤثر است (شکری، شفیع‌آبادی، دوکانه‌ای فرد، ۱۴۰۰). رضایت زناشویی همچون نمودی از شادی، برآمده از وضعیت پیوند زناشویی و عملکرد زناشویی دلخواه، تعریف شده است که از تعاملات

1. Otero, M. C, Wells, J. L, Chen, K. H, Brown, C. L, Connelly, D. E, Levenson, R. W, & Fredrickson, B. L.

2. marital satisfaction

3. Çağ, P, & Yıldırım, I.

کارآمد، تجارب خوشایند و رضایت از زندگی مشترک ناشی می‌شود (حاجیحسنی و سیم^۱، ۲۰۱۹). رضایت زناشویی یک بعد اصلی و پیچیده ازدواج محسوب می‌شود و نشان‌دهنده خوشبختی کلی فرد، رضایت از رابطه و درجه‌ای است که هر یک از زوجین، ازدواج خود را ارزیابی می‌کنند و میزانی است که نیازها، انتظارات و امیال فرد در ازدواج ارضاء می‌گردد (جانجانی، حق‌نظری، کشاورزی، رأی، ۲۰۱۷). در پژوهشی که در ترکیه توسط (مامگلو، آدس، ویسفلد^۲، ۲۰۱۹) انجام شد، نشان داده شد که بین انتخاب همسر که افراد خودشان انتخاب می‌کنند، با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. به این معنی افرادی که خود همسر خود را انتخاب کرده بودند نسبت به کسانی همسرشان انتخاب خودشان نبود، رضایت زناشویی بیشتری وجود داشت.

بین رضایت زناشویی و احساس تنهایی^۳ رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به این صورت افرادی که احساس تنهایی بیشتری داشته باشند، از رضایت زناشویی کمتری برخوردار می‌شوند (برونس، هانسن، هایر^۴، ۲۰۱۹). احساس تنهایی به حالتی گفته می‌شود که در آن فرد، فقدان روابط با دیگران را ادراک یا تجربه می‌کند (هسیه و هاوکلی^۵، ۲۰۱۷). احساس تنهایی منشأ بسیاری از حالات نامتعادل روانی چون افسردگی، یاس و ناامیدی است (مولر و سیهوس^۶، ۲۰۱۹). احساس تنهایی به‌عنوان وضعیت دیرپای درماندگی عاطفی، زمانی روی می‌دهد که فرد احساس بیگانگی و طردشدگی می‌کند و یا فاقد الگوی اجتماعی مناسب برای فعالیت‌های مطلوب است، به‌ویژه فعالیت‌های که ارتباط و تعلق عاطفی را فراهم می‌سازد (گلویتزر، ویلکازنسکا و جایا^۷، ۲۰۱۸). این تعریف کمک می‌کند تا اصطلاح احساس تنهایی به درماندگی ناشی از نوعی احساس همیشگی جدایی از دیگران و نه انزوایی اجتماعی محدود شود. تنهایی و انزوای هیجانی بر فقدان دلبستگی

1. Hajhihasani, M., & Sim, T.
2. Mamoğlu, O., Ads, M., & Weisfeld, C.
3. Feeling Lonely
4. Brunes, A., Hansen, M. B., & Heir, T.
5. Hsieh, N., & Hawkley, L.
6. Moeller, R. W., & Seehuus, M.
7. Gollwitzer, A., Wilczynska, M., & Jaya, E.

دوستانه دلالت می‌کنند، ولی انزوای اجتماعی به نبود روابط با مردم و شبکه‌های اجتماعی در دسترس و شمار کوچکی از روابط اشاره دارد. همچنین یادآوری می‌شود که افرادی که تماس خود را با دیگران محدود می‌کنند، یا فردی که یک سبک زندگی منزوی را ترجیح می‌دهد، لزوماً احساس تنهایی نمی‌کند (اسپین، کامگ، کلین، ترهورس، میتچل^۱، ۲۰۱۶). تنها بودن با احساس تنهایی کردن یکسان نیست و حتی نمی‌توان با دیگران و در کنار دیگران بودن را به منزله جلوگیری از احساسات تنهایی فرض نمود (برگمان، سگال کارپس^۲، ۲۰۱۸).

رضایت زناشویی فرایند پیچیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد (اسچونفلد، لوینگ، پوپ، هوستن، فرانس، استولفر^۳، ۲۰۱۷). این رضایت می‌تواند در گروه توانمندی افراد در مقابله با مشکلات، تحمل پریشانی^۴ و به کار گرفتن مهارت‌های مدیریت هیجانی باشد. تحمل پریشانی را توانایی فرد در تجربه و تحمل حالات هیجانی منفی تعریف کرده‌اند. در حقیقت تحمل پریشانی یک متغیر تفاوت‌های فردی است که به ظرفیت تجربه و مقاومت در برابر ناراحتی هیجانی اشاره می‌کند (محمودپور، فرحبش، حسینی و بلوچزاده، ۱۳۹۷). تحمل پریشانی ماهیتی چندبعدی داشته و شامل ابعاد متعددی از جمله ۱. توانایی تحمل، ۲. ارزیابی و ظرفیت پذیرش حالت عاطفی، ۳. شیوه تنظیم هیجان به وسیله فرد، ۴. مقدار جذب توجه به وسیله هیجان‌های منفی و مقدار سهم آن در به وجود آمدن اختلال در عملکرد، می‌شود (لوپرو، زولنسکی و برنستین^۵، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که تحمل پریشانی بر ارزیابی و پیامدهای ناشی از تجربه هیجان‌های منفی تأثیرگذار است، به گونه‌ای که افرادی که در مقایسه با دیگران تحمل پریشانی کمتری دارند، واکنشی شدیدتر به استرس نشان می‌دهند. افزون بر این افراد توانایی‌های مقابله‌ای ضعیف‌تری در برابر پریشانی از خود نشان داده و در نتیجه تلاش می‌کنند تا با به کارگیری

1. Spino, E, Kameg K. M, Cline, T. W, Terhorst, L, & Mitchell, A. M.
2. Bergman, Y. S, & Segel-Karpas, Y.
3. Schoenfeld, E. A, Loving, Pope, T. J, Huston, T. L, & Štulhofer, A.
4. Distress Tolerance
5. Leyro, T, Zvolensky, M, & Bernstein, A.

استراتژی‌هایی که هدف آن‌ها کاهش حالت‌های منفی است، از این گونه هیجان‌ها اجتناب کنند (محمودپور، شیری، فرحبخش و ذولفقاری، ۱۳۹۹).

چنین به نظر می‌رسد که زوجینی که از زندگی زناشویی خود ناراضی هستند، در ارتباط با شریک و همسر خود نمی‌توانند رابطه‌ای صمیمی، قابل‌اعتماد و برخوردار از حس همدلی، حمایت متقابل^۱ و پذیرش داشته باشد (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۹). نبود حمایت درک‌شده در نتیجه‌ی فقدان روابط رضایت‌بخش در زوجین است. هرچقدر انسان حمایت کمتری از جانب خانواده دریافت کند، احساس تنهایی بیشتری می‌کند و احساس تنهایی باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود. حمایت ادراک‌شده یک عامل سازنده هم برای مشکلات گوناگون روانی و هم برای مسائل اجتماعی به وجود می‌آورد (لی و گولدستین^۲، ۲۰۱۶). تأثیر حمایت متقابل و روابط عاطفی در افراد متفاوت است. زوجینی که از تعارض‌های زناشویی زیادی دارند به‌جای تقویت حمایت‌گری، مهارت‌های گفت‌و شنود، همدلی و درک متقابل، تلاش می‌کنند دیدگاه خود را اثبات کنند و دیگری را محکوم کنند (خدادادی سنگده، ۱۴۰۰). در جامعه مدرن عواملی مثل احساس رضایت عاطفی، حمایت ادراک‌شده، اهمیت نفس رابطه، بازبودن و تداوم آن، باعث شکل‌گیری رابطه‌ی ناب در زندگی و در نتیجه رضایت زناشویی می‌شوند. رضایت عاطفی، حمایت متقابل، تعهد، عشق و صمیمیت و اعتماد متقابل از جمله عناصری هستند که رابطه‌ی سالم را تشکیل می‌دهند و نقش بسزایی در تحکیم خانواده و رضایت‌مندی زناشویی دارد (پاک‌خصال، سیف‌اللهی و میرزایی، ۱۳۹۹). یکی از دلایل ازدواج، کسب حمایت به‌خصوص حمایت از جانب همسر می‌باشد. حمایت خانوادگی زمانی آشکار می‌شود که فرد بداند برای دیگری، محترم و با ارزش است و از سوی دیگر او احساس کند که عضو یک شبکه از خانواده است که نسبت به هم تعهد متقابل دارند. در زندگی حمایت می‌تواند از طریق خانواده، بستگان، دوستان، همسایگان و سازمان‌های اجتماعی به دست آید

1. Mutual Support

2. Lee, C. Y. S, & Goldstein, S. E.

(استرزیر^۱، ۲۰۱۲). حمایت از جانب همسر به هنگام مواجهه با اتفاقات استرس‌زا، به کارآیی و سلامت رابطه زوجی کمک می‌کند. زوج‌های که حامی بودن را از سوی همسر خود تجربه می‌کنند و به‌نوعی حمایت متقابل دارند، رضایت زناشویی بالاتری را نشان می‌دهند و پیامدهای طولی بهتری را در مقایسه با سایر زوج‌ها در ازدواج تجربه می‌کنند. این مهم بیانگر این واقعیت است، زمانی که حمایت همسر وجود داشته باشد، حمایت سایر افراد در پیش‌بینی سلامتی و درماندگی نقش کم‌رنگ‌تری دارند (بروک، لاورنس^۲، ۲۰۰۸). در پژوهشی که (خدادادی سنگده، نظری، احمدی، ۱۳۹۴) انجام دادند، نشان دادند که حمایت متقابل زوجین از همدیگر بیشترین سهم را در پیش‌بینی از ازدواج موفق دارد و قادر است حدود ۴۰ درصد از ازدواج موفق را پیش‌بینی کند.

اکثر افراد آرزو دارند روزی ازدواج کنند، اگرچه انتظارات واقعی از ازدواج، به‌ویژه مواردی که فرد تمایل به ازدواج دارد، ممکن است با گذشت زمان تغییر کند ولی همچنان به‌عنوان یک عامل قدرتمند است که اثرات فوق‌العاده‌ای بر افراد جامعه می‌گذارد (آروکو و کمپ‌داش^۳، ۲۰۱۸). در این میان چنانچه انتخاب همسر با دقت انجام نگیرد، ممکن است اولین قدم به اشتباه برداشته شود و منجر به عدم رضایت زناشویی در مراحل بعدی زندگی گردد (نتزل و هاریس^۴، ۲۰۰۸). علاوه بر این، انتخاب همسر در انعقاد پیوند زناشویی هم نقطه عطفی در زندگی شخصی تلقی می‌شود. بدیهی است افراد تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارند این مسیر را به بهترین نحو پشت سر گذارند و بهترین انتخاب را برای شریک زندگی خود داشته باشند تا به دنبال آن زندگی مشترکی سرشار از رضایت و سلامت روان‌شناختی به دست آورند (آدامسزیک^۵، ۲۰۱۷). ازدواج موضوعی نیست که فقط مربوط به دو فرد باشد، بلکه به‌عنوان یک رویداد، به خانواده و جامعه هم مربوط می‌شود (درخش، اصلانی، کرایبی، ۱۳۹۸). ارتباط بین فردی

-
1. Strozier, A. L.
 2. Brock, R. L, & Lawrence, E.
 3. Arocho, R, & Kamp Dush, C. M.
 4. Nietzel, M. T, & Harris, M. J.
 5. Adamczyk, K.

یکی از عوامل اثرگذار بر رضایت زناشویی است که در این میان خانواده از جایگاه مهمی برخوردار است (تونگ، جی، هی، لان، فانگ^۱، ۲۰۲۱). دگرگونی‌هایی در خانواده در نیم اخیر آرام و مستمر در حال وقوع است، از جمله این تغییرات میزان اثری است که خانواده والدین در انتخاب همسر فرزند خود دارند (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۵). واقعیت این است که در جامعه، برخی از افراد به صورت کاملاً فردی دست به انتخاب می‌زنند در حالی که برخی دیگر با کمک و راهنمایی خانواده، فردی را به عنوان همسر برمی‌گزینند (جوهری محمدی، کلانتر کوشه، فرحبخش، ۱۳۹۴). در دهه‌های قبل، در جامعه سنتی ایران و در خانواده گسترده، حوزه همسرگزینی جوانان تحت اقتدار والدین بود. امروزه شرایط انتخاب همسر در گروه‌ها و اقوام مختلف دچار تغییراتی شده از جمله نقش و تأثیر والدین در تصمیم‌گیری در مورد ازدواج است که دست‌خوش تغییراتی شده که در کل می‌توان آن‌ها را در سه طبقه تقسیم‌بندی کرد: ۱. زوجینی که به همان شیوه سنتی ازدواج می‌کنند و به نظر والدین توجه خاصی دارند و خانواده با این ازدواج موافق است، ۲. زوجینی که به روش غیر سنتی با هم آشنا می‌شوند و تصمیم به ازدواج می‌گیرند و بعد خانواده را در جریان قرار می‌دهند و والدین یا مخالفت نمی‌کنند یا در نهایت بعد از مخالفت‌هایی رضایت می‌دهند، ۳. زوجینی که به شکل غیر سنتی با هم آشنا می‌شوند و زمانی که با خانواده مطرح می‌کنند، والدین به هیچ وجه رضایت نمی‌دهند و در نهایت این زوج تصمیم می‌گیرند بدون رضایت خانواده ازدواج کنند، به طوری که بعد از ازدواج ارتباط با خانواده را از دست می‌دهند (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴). خجسته‌مهر و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی به مطالعه تجربه خوشبختی در ازدواج‌های پایدار پرداختند و یکی از معیارهای که از نظر مصاحبه‌کنندگان برای احساس خوشبختی در ازدواج مهم بود ارتباط با خانواده‌های همدیگر بود. برای این افراد احترام به خانواده‌های همدیگر از اهمیتی خاصی برخوردار بود. این اهمیت خانواده‌ها دارای یک نقش دوجانبه بود که از هر دو طرف تقویت می‌شد.

1. Tong, W, Jia, J, He, Q, Lan, J & Fang, X.

با توجه به مرور پیشینه تجربی انجام گرفته می‌توان گفت نقش خانواده اصلی و نحوه تعامل آن‌ها با زوجین در روابط زوجین اثرگذار است و خانواده و والدین از جایگاه مهم و ویژه‌ای برخوردارند. در فرهنگ شرقی و ایرانی این مهم از اهمیت بسزایی برخوردار است، همچنین در شهر خرم‌آباد، خانواده‌ها نگاه سنتی به ازدواج دارند و تمایل دارند که فرزندان‌شان به این روش ازدواج کنند. در خیلی از خانواده‌های این شهر دخترانی که بدون رضایت خانواده ازدواج می‌کند، از خانواده طرد می‌شود و متأسفانه ممکن است درگیرهای شدید خانوادگی را در پی داشته باشد، به طوری که در مواردی ممکن است خانواده به مرگ دختر خود راضی‌تر باشد تا ازدواج این چنین. لذا با توجه به شرایط موجود پژوهشی در رابطه با ازدواج دخترانی که بدون رضایت خانواده ازدواج می‌کنند، از اهمیتی خاصی برخوردار است. با وجود تحقیقات گسترده در حوزه اهمیت نقش والدین و خانواده اصلی در ازدواج موفق، هیچ تحقیقی کمی و کیفی در مورد زندگی زناشویی زوج‌های که بدون رضایت خانواده ازدواج کرده‌اند در ایران صورت نگرفته است. با توجه به این مسئله، پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته‌ی زنانی است که بدون رضایت والدین خود ازدواج کرده‌اند.

روش پژوهش

این مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. در این مطالعه با ۱۵ نفر از زنان در استان لرستان، شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۹ مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه با استفاده از سؤالات باز و روشن‌ساز به مشارکت‌کنندگان در توصیف تجربیات زندگی خود کمک و فرایند مصاحبه را تسهیل می‌کرد. شرکت‌کنندگان در معیار ورود به مطالعه شامل: زنانی متأهلی بودند که بدون رضایت والدین و خانواده ازدواج کرده بودند، با خانواده خود به دلیل مخالفت با ازدواج رابطه نداشتند و همچنین حاضر به مصاحبه با پژوهشگر بودند. معیار خروج جواب‌های خیلی مختصر دادن، تمایل نداشتن به ادامه مصاحبه بود. شرکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها و عدم دستیابی به داده‌های جدید ادامه یافت. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد

که هویت آن‌ها محرمانه خواهد ماند. برای محرمانه ماندن هویت افراد، از کد استفاده شد. کدها از ۱۰۱ تا ۱۱۵ به مصاحبه‌شوندگان اختصاص داده شد. همچنین از شرکت‌کنندگان اجازه جهت استفاده از ضبط صوت گرفته شد. هر مصاحبه بین ۶۰-۴۰ دقیقه طول کشید و تمام مصاحبه‌ها بر روی فایل صوتی ضبط و سپس به دقت شنیده و بر روی کاغذ پیاده شد تا در تحلیل‌های هم‌زمان با تحقیق و یا بعد مصاحبه مورد استفاده قرار گیرد. مصاحبه‌ها انفرادی و از نوع نیمه ساختاریافته و باز عمیق بود. سؤالات با تمرکز به مطالب تحت پوشش در یک راهنمای مصاحبه آورده شدند. توالی آن‌ها برای هر شرکت‌کننده مشابه نبود، زیرا فرآیند سؤالات بستگی به فرآیند مصاحبه و پاسخ‌های هر فرد دارد.

محقق به مصاحبه‌کننده کمک می‌کرد تا تجربیات زنده‌اش را توصیف کند، بدون اینکه بحث را هدایت کند. محقق از طریق گفتگوهای عمیق تلاش می‌کرد تا پدیده را به همان صورت از طریق مشاهده، مشارکت و تفکر درون‌نگر تجربه کند. این نوع مصاحبه در عین تمرکز بر موضع، از انعطاف کافی برخوردار است و به مصاحبه‌شوندگان این فرصت را می‌دهد که به بخش‌های از موضوع بپردازند که از دیدگاه آنان دارای اهمیت است. پژوهش‌گران معتقدند که بهترین روش ثبت مصاحبه‌ها، استفاده از ضبط صوت است زیرا ضبط صدای مصاحبه‌شوندگان، عیناً حاوی الفاظ بیان‌شده و همچنین سؤالات مطرح‌شده می‌باشد. همچنین پژوهشگر دچار خطا نمی‌شوند و مباحث مهم مطرح‌شده در گفتگو را فراموش نمی‌کند. مصاحبه‌کننده با این روش قادر است با طرف صحبت خود، تماس چشمی داشته باشد و به آنچه او می‌گوید به دقت توجه کند. در این مطالعه سعی شد تا لحن مصاحبه‌ها به صورت یک گفتمان حفظ شود و در عین همدلی، حتی‌الامکان از ارائه نظر خودداری شود. هر مصاحبه با این سؤال ختم می‌شد که آیا سؤالی هست که پرسیده نشده یا توضیح دیگر می‌خواهید بدهید؟ در این مطالعه تحلیل داده‌ها از همان مصاحبه اول شروع شد و با استفاده از روش کولینزی انجام شد. بدین صورت که ابتدا تمام اطلاعات به دقت خوانده شد تا احساس و درک از عقاید و تجربیات افراد به دست آید؛ به گونه‌ای که قابل فهم برای محقق باشد. تحلیل مضمونی نیز به صورت جدا کردن

مضمون‌های اصلی از مضمون‌های فرعی انجام شد و از رویکرد انتخابی استفاده شد، بدین صورت که چند بار متن خوانده یا شنیده شد و جملات و واحدهای معنادار از نظر پژوهشگر توصیف‌کننده پدیده مورد نظر بود، جدا شدند. در دومین گام تمام کلمات و جملاتی که در ارتباط با پدیده مورد نظر بود استخراج و مجموع مضامینی که از مصاحبه‌ها استخراج شد شامل ۴ مضمون اصلی و ۱۶ مضمون فرعی بود. سپس با خواندن مجدد اطلاعات و دسته‌بندی آن‌ها، تم‌ها (درون‌مایه‌ها) به دست آمده، مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله پژوهشگر سعی می‌کرد روابط بین تم‌ها و جملات مربوط به آن‌ها را و همچنین ارتباط بین تم‌ها را بیابد و توصیف جامعی از پدیده به دست آورد. برای اطمینان از صحت یافته‌ها، از شنیدن مجدد صوت‌ها و خواندن داده‌ها و استفاده از نظرات همکاران بهره گرفته شد. این مطالعه به روش پدیدارشناسی بود که هدف مطالعه پدیده‌شناسی، تشریح و توضیح ساختار یا ماهیت تجارب زنده در مورد یک پدیده است و در جستجو و ارائه یک معنا و مفهوم واحد است که نماد ماهیت و ذات آن پدیده و توصیفی دقیق از تجارب زنده روزمره آن پدیده باشد (پولیت و برک^۱ ۲۰۰۶). در مطالعه پدیدارشناسی منبع اصلی داده‌ها، گفتگوهای عمیق محقق و شرکت‌کنندگان به عنوان همکاران است.

یافته‌ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. مضامین استخراج شده از محتوای مصاحبه با زنان ازدواج کرده بدون رضایت والدین

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه‌های از گفته‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها
رضایت زناشویی	مشکلات ارتباطی با همسر. اظهار پشیمانی از انتخاب همسر. نرسیدن به آرزوها و امیال قبل ازدواج. احساس سردرگمی در زندگی زناشویی توجه نکردن به احساسات و نیازهای همدیگر. عدم درک درست از جانب همسر.	بیشتر وقت‌هایی که ما با هم صحبت می‌کنیم در نهایت ختم به دعوا میشه وقتی به انتخاب خود فکر می‌کنم از پشیمانی فقط شاخ درنیمارم. خودمم نمی‌دونم از این زندگی چی می‌خوام و به کجا قراره برسم. تنها چیزی که برای همسر اهمیت نداره نیازها و احساسات منه. اون اصلاً منو درک نمی‌کنه که من چی می‌کشم تو زندگی.
احساس تنهایی و بی‌یاوری	مشکلات تنهایی به خاطر عدم ارتباط با خانواده مبدأ روابط با دوستان برای کاهش حس تنهایی. استفاده بیش از حد از فضای مجازی برای پر کردن خلع‌ها.	از این که با خانواده‌ام ارتباط ندارم کلافه‌ام. اگر با خانواده خودم ارتباط داشتم، اینقدر تنها نبودم. نمیدونم اگر دوستان نبودن باید چطور با بی کسی خودم کنار می‌ومدم. بیشتر اوقات فراقت خودمو با گشت زنی در فضای مجازی پر می‌کنم.
تحمل پریشانی	افزایش آستانه تحمل به دلیل روپرو شدن با مشکلات متعدد راهکارهای جهت تاب‌آوری در مقابل مشکلات زندگی افزایش تحمل سختی بیشتر نسبت به قبل ازدواج	از بس تو این مدت مشکل داشتم که دیگه آب دیده شدم. وقتی میدونم زندگی من همیشه خودمو باهاش سازگار می‌کنم. بعضی وقت‌ها اصلاً باورم نمیشه که این منم این همه سختی رو تحمل می‌کنم، قبل ازدواج اینجوری نبودم.
حمایت متقابل در زندگی زناشویی	موردحمایت کافی واقع نشدن از طرف همسر شانه خالی کردن همسر از وظایف خود حمایت‌های گاه و بی‌گاه و قابل	هر وقت که می‌خوام همسر در کنارم باشه، نیست. شوهرم اصلاً مسئولیت‌پذیر نیست و وظیفه خودشو نمی‌شناسه بعضی وقت‌ها حمایت می‌کنه ولی رفتارش اصلاً قابل پیش‌بینی نیست.

مضمین اصلی	مضمین فرعی	نمونه‌های از گفته‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها
	پیش‌بینی نبودن همسر بی‌اعتمادی مردان به حمایتگری همسرانشان	همسرم فکر می‌کنه زنهامی تونن به حمایتگر خوب باشن. همسرم مشکلاتش رو فقط با خانواده خودش در میون میزاره و چیزی به من نمیگه

۱. رضایت زناشویی

نتایج پژوهش نشان داد که متغیر رضایت زناشویی در زنانی که بدون رضایت والدین خود ازدواج کرده‌اند و با خانواده خود در ارتباط نیستند، نسبت به دیگر زوجین پایین است. دلایل زیادی در عدم رضایت زناشویی دخالت دارند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش به مواردی از آن‌ها اشاره کرده‌اند. از موارد مورد اشاره که تأثیر زیادی در این نارضایتی داشت، ارتباط نداشتن با خانواده مبدأ خود می‌باشد. خانواده این افراد به خاطر رضایت نداشتن با ازدواج فرزندان خود، رابطه را با آن‌ها قطع کرده‌اند. در بعضی از زنان پژوهش حاضر با تعدادی از افراد خانواده مانند مادر و خواهر به صورت تلفنی ارتباط داشتند ولی با پدر، برادر و دیگر افراد و همچنین رفتن به منزل آن‌ها، رابطه قطع بود. در برخی نیز هیچ‌گونه ارتباطی با خانواده خود نداشتند. از دیگر موارد گفته شده، تصور رؤیایی از همسر و ازدواج بود. شرکت‌کنندگان بیان کردند که قبل از ازدواج همسرشان خیلی خوب بوده و فکر می‌کردند با اون احساس خوشبختی می‌کنند، هر چند همه چیز حتی خانواده را از دست بدهند. آن‌ها بیان کردند که همسرشان متفاوت با آنچه قبل از ازدواج بوده است، رفتار می‌کنند. خیلی از این افراد اشاره کردند که فقط مجبور به ادامه زندگی با همسر خود هستند و اگر شرایط داشتند به طلاق حتماً فکر می‌کردند. درک نشدن توسط همسر یکی از مواردی بود که باعث نارضایتی زنان در این پژوهش شده بود و آن‌ها اشاره کردند که همسر اصلاً متوجه نیست که من در این زندگی چه می‌کشم. نمونه‌ای از گفتار شرکت‌کننده کد ۱۰۴: از انتخاب خودم واقعاً پشیمونم، کاش خانواده‌ام هیچ وقت به من

این اجازه رو نمی‌دادند که این زندگی رو شروع کنم. کد ۱۰۹: از این ناراحت‌م ۵ سال جنگیدم که خودم رو تو آتیش بندازم، این زندگی من دقیقاً مثل جهنم، فقط سوخته.

۲. احساس تنهایی

از دیگر مقوله‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، احساس تنهایی زنان بود. نتایج نشان داد که احساس تنهایی در این زنان زیاد است. دلایلی که شرکت‌کنندگان برای احساس تنهایی خود بیان کردند عبارت بودند از: ارتباط نداشتن با خانواده خود که قطع این ارتباط باعث شده هر وقت در زندگی با مشکلی مواجه می‌شوند، فردی از خانواده وجود ندارد که آن‌ها بتوانند از مشکلات خود برای آن‌ها صحبت کنند. مشکل عدم مهارت ارتباط درست و نداشتن گفتگوی سازنده نیز باعث شده بود این زنان با همسران خود کمتر صحبت کنند و بیشتر احساس تنهایی کنند. از موادی مورد اشاره کد ۱۱۱: احساس می‌کنم هیچ حرفی برای گفتن با همسر ندارم. اصلاً مگه ما چقدر می‌تونیم برای همدیگه حرف داشته باشیم. قرار نیست همه حرفامو به همسر بگم. همچنین مصاحبه‌کنندگان بیان کردند که وقتی می‌خواهند کاری در بیرون خانه انجام دهند با مشکل نگهداری فرزندان روبرو هستند و کسی را ندارند که از فرزند آن‌ها مراقبت کنند. این مسئله باعث می‌شد که آن‌ها احساس بی‌کسی و بی‌یاوری در زندگی کنند. همچنین اشاره کردند برای پر کردن این احساس تنهایی و خلع، به شبکه‌های مجازی و دوستان خود متوسل می‌شدند. افرادی که دوستان صمیمی بیشتری داشتند، کمتر احساس تنهایی می‌کردند و کمتر در فضای مجازی به دنبال ارضاء نیاز همدم و هم صحبت بودند.

۳. تحمل پریشانی

یکی دیگر مضامین به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر تحمل پریشانی بالا در زنان بود. افراد شرکت‌کننده در این مطالعه معتقد بودن که تحمل پریشانی آن‌ها در مقایسه با قبل ازدواج بیشتر شده است. حتی باور داشتند که نسبت به زنان دیگری که شرایط ازدواج متفاوتی با آن‌ها داشته‌اند، تحمل پریشانی بیشتری دارند. از جمله دلایل ذکر شده برای این آستانه

تحمل بیشتر؛ روبرو شدن با مشکلات زیاد در زندگی بود. آن‌ها بیان کردند چون در زندگی با مسائل زیادی مواجه شده‌اند به کنار آمدن با مشکلات عادت کرده‌اند و به اصطلاح آب‌دیده شده‌اند و دیگر با مسائل جزئی برآشفته نمی‌شوند. چون سختی‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند، تاب‌آوری آن‌ها در برابر مشکلات زیاد شده و به تعبیر خودشان، مقاوم شده‌اند. یکی از دلایلی که باعث افزایش تحمل پریشانی در این زنان شده بود، حضور فرزندان بود که باعث شده بود به خاطر بچه‌های خود گذشت بیشتری داشته باشند و با مشکلات، بیشتر کنار بیایند. مواردی مورد اشاره توسط مصاحبه‌کننده کد ۱۱۴: من یک مادر هستم و باید به خاطر بچه‌هام از خود گذشتی کنم و هر چیزی رو به عشقم بچه‌ام تحمل کنم. آدم وقتی مشکلات زیادی تو زندگیش پیدا میشه دیگه با هر مسئله جزئی برآشفته نمیشه. گاهی دوستانم رو می‌بینم که سر به مورد خیلی جزئی بهم می‌ریزند، تعجب می‌کنم که چرا اینقدر کم حوصله هستند. نمی‌دونم شاید من از بس تو زندگیم مشکل داشتم دیگه به این چیزها مشکل نمی‌گم.

۴. حمایت متقابل زوجین

از دیگر نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، حمایت متقابل پایین زوجین از همدیگر بود. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بیان کردند که حمایت زیادی از طرف همسر خود دریافت نمی‌کنند. آن‌ها از عدم حمایت کافی از جانب همسر گله‌مند بودن و اشاره کردند که همسرشان برعکس آنچه در اوایل ادعا کردند و نشان دادند، حمایتگری کافی ندارند. همچنین بیان کردند که همسرانشان در مشکلات به آن‌ها تکیه نمی‌کنند و حتی گاهی از مشکلات خود به آن‌ها نمی‌گویند. بعضی از زنان گفتن که همسرشان مشکلات خود را به خانواده خود می‌گویند و درباره آن با همسر خود صحبتی نمی‌کند. مصاحبه‌شونده کد ۱۰۵ اشاره کرد: اصلاً احساس نمی‌کنم همسرم به تکیه‌گاه واقعی برای من هست و زمانی مشکلی برام پیش بیاد بخوام روش حساب باز کنم. گاهی فکر می‌کنم اصلاً بودنش خیلی فرق نداره. وقتی در زمان فشار کنار من نیست، یا وقتی از مشکلاتش به من نمی‌گه چه فرقی می‌کنه باشه یا نباشه. آنچه در این قسمت یافته‌ها به آن اشاره شد نظر اکثریت افراد

بود که بر حسب فراوانی ذکر گردید. در میان مصاحبه‌ها مواردی نیز بود که رضایت نسبی از زندگی خود داشتن ولی در این پژوهش بیشتر فراوانی‌ها لحاظ گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تجربه زیسته زنان متأهلی بود که بدون رضایت والدین ازدواج کرده بودند و با خانواده مبدأ خود ارتباط نداشتند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رضایت زناشویی در این زنان پایین است. هیچ پژوهشی به بررسی رضایت زناشویی در زنانی که بدون رضایت خانواده ازدواج کرده‌اند، نپرداخته است. لذا نتایج پژوهش با نتایج پژوهش‌های مشابه مقایسه می‌شود. نتایج پژوهش (حاجی حسنی و سیمب، ۲۰۱۹) نشان داد که بین رضایت زناشویی و سن ازدواج رابطه معکوس وجود دارد و در بین زنانی که کمتر از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، رضایت زناشویی پایین است. همچنین پژوهشی در ژاپن نشان داد زنانی که نگاه سنتی به نقش جنسیتی خود دارند، رضایت زناشویی بیشتری نسبت به زنانی دارند که نگاه برابری به زن و مرد دارند. زنانی که نگاه برابری طلب دارند، انتظار بیشتری از همسرانشان دارند و این دیدگاه باعث نارضایتی در این زنان می‌شوند (تانگوچی و کوفمن^۱، ۲۰۱۴). همچنین تحقیقی در ترکیه (مامگلو، آدس و ویسفلد، ۲۰۱۹) نشان داد که انتخاب همسر در رضایت زناشویی تأثیر دارد. عدم رضایت زناشویی ممکن است فرد را به سمت ارتباط فرازناشویی سوق دهد (پاناناکونساب^۲، ۲۰۱۹).

در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت رضایت زناشویی به ارتباط فرد با همسر خود برمی‌گردد. در رضایت زناشویی مؤلفه‌های زیادی بر آن اثرگذار است که حتی ممکن است مربوط به خارج از رابطه زناشویی باشد (کیانی، نوایی‌نژاد، احمدی و تقوایی، ۱۴۰۰). یکی از این موارد همان‌طور که خود شرکت‌کنندگان به آن اشاره کردند، ارتباط با خانواده مبدأ است. وقتی فردی با خانواده خود ارتباط ندارد، به‌نوعی احساس خلع می‌کند و چون احساس می‌کند از ریشه خود جدا شده است، فشار زیادی را از لحاظ روانی متحمل

1. Taniguchi, H, & Kaufman, G.

2. Pananakhonsab, W.

می‌شود. این فشار در زندگی نمود پیدا می‌کند که ممکن است به بحث‌ها و مشاجره‌های زناشویی دامن بزند و منجر به عدم رضایت زناشویی شود. یکی دیگر از مواردی که ممکن است دلیل این عدم رضایت باشد، مقایسه وضعیت فعلی زندگی فرد است با آنچه در قبل در ذهن خود از ازدواج ساخته بود. همچنین فاصله بین آنچه در روزهای اول، همسر از خود نشان داده، با آنچه همسر در حال حاضر است. این مقایسه برای هر فردی در زندگی ممکن است اتفاق بیافتد، ولی این افراد چون به خاطر ازدواج حاضر شده‌اند با خانواده خود قطع ارتباط کنند، احساس می‌کنند برای ازدواجشان بهایی بیشتری پرداخت کرده‌اند و با توجه به آن بهاء چیز زیادی در زندگی عایدشان نشده و به شکلی دچار سرخوردگی می‌شوند که در نهایت به عدم رضایت زناشویی منجر می‌شود. همچنین وقتی فردی احساس کند که دلیل قطع ارتباط خود با خانواده‌اش، همسر او و انتخاب خود می‌باشد، هم از انتخاب خود پشیمان می‌شود و هم احساس دلخوری نسبت به همسر پیدا می‌کند. این مشکلات در طی زمان به صورت تنش بین زوجین خود را نشان می‌دهد و باعث می‌شود که زوجین روز به روز از همدیگر بیشتر فاصله بگیرند و در نتیجه از زندگی زناشویی خود رضایت کاملی نداشته باشند

از دیگر نتایج پژوهش حاضر بررسی احساس تنهایی بود که نشان داد احساس تنهایی در زنان شرکت‌کننده زیاد بود و این افراد از احساس تنهایی خود شکایت داشتند. همان‌طور که بیان گردید هیچ پژوهش به بررسی ابعاد زندگی زناشویی در زوجینی که بدون رضایت خانواده ازدواج کرده‌اند، پرداخته نشده است. لذا نتایج با پژوهش‌های که مشابهت‌های با پژوهش حاضر دارند مقایسه می‌شوند. یافته‌های این پژوهش با نتایج (هالات و هواردگلو^۱، ۲۰۱۰)، با نتایج (دیتزن، هالوگک، فهم ولفسدرف و باوکام^۲، ۲۰۱۱)، (برونس، هانسن و هیر^۳، ۲۰۱۹) مبنی بر رابطه بین عدم رضایت زناشویی و احساس تنهایی همسو می‌باشد.

-
1. Halat, M. I, & Hovardaoğlu, S.
 2. Ditzen, B, Hahlweg, K, Fehm-Wolfsdorf, G, & Baucom, D.
 3. Brunes, A, Hansen, M.B, & Heir, T.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که روابط فرد در اجتماع شکل می‌گیرد، اگر در روابط فرد اختلال ایجاد شود فرد گرفتار احساس تنهایی می‌شود. تنهایی به‌عنوان یک متغیر دخیل در ارتباط زناشویی زمانی رخ می‌دهد که زوجین دیگر احساس نمی‌کنند که رابطه آن‌ها ارزشمند است. بیشترین روابط را فرد با خانواده خود دارد زمانی که این رابطه قطع شود، طبیعی به نظر می‌رسد که فرد احساس تنهایی را به شکل فراگیر احساس کند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش اشاره کردند که برای کاهش احساس تنهایی خود به راه‌های زیادی متوسل می‌شوند؛ مانند ارتباط بیشتر با دوستان، استفاده بیش‌ازحد از شبکه‌های مجازی و وابستگی به فرزندان. چند مورد از مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند که همسر آن‌ها به زنانشان اعتماد ندارند و می‌گویند وقتی حاضر شدی خانواده خودتو به خاطر یه غریبه زیر پا بزاری، پس می‌تونی به راحتی من رو هم زیر پا بذاری. همین مسئله اعتماد نداشتن باعث می‌شود که زن و شوهر مسائل خودشان را برای همسر بازگو نکنند و در نتیجه فرد احساس تنهایی بیشتری را درک کند. احساس تنهایی تجربه عاطفی ناخوشایندی است که از تعارض‌های ارتباطی بین فردی و کاستی در روابط اجتماعی شخص ناشی می‌شود (گلویتزر، ویلکازنسکا و جایا، ۲۰۱۸).

یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر بررسی تحمل پریشانی در افراد شرکت‌کننده در پژوهش بود. نتایج این پژوهش نشان داد که تحمل پریشانی در این زنان به نسبت بالا بود. نتایج این قسمت پژوهش با نتایج (جنسون^۲، ۲۰۱۵) مبنی بر رابطه بین تحمل پریشانی و سازگاری زناشویی همسو می‌باشد.

در تبیین نتایج یافته‌های فوق می‌توان گفت که یکی مواردی که باعث افزایش تحمل پریشانی در زنان گردیده، داشتن فرزند است که باعث شده به خاطر بچه‌ها از خود گذشته‌گی بیشتری داشته باشند. همچنین یکی از دلایل قابل ذکر، مربوط به تصمیم این افراد است که خودشان با وجود مخالفت‌های شدید خانواده تصمیم‌گیری کرده‌اند و فکر می‌کنند باید به خاطر تصمیم خود ایستادگی بیشتری بکنند. یکی دیگر از موارد مربوط تحمل پریشانی،

-
1. Gollwitzer, A, Wilczynska, M, & Jaya, E.
 2. Johnson, K. D.

حرف اطرافیان است که شرکت کنندگان اشاره کردند به خاطر این که از جانب دیگران سرزنش نشوند، در این زندگی مانده‌اند و شرایط موجود را با توجه به مشکلات فراوان تحمل می‌کنند. زمانی که زوجین تحمل پریشانی بالاتری دارند، می‌توانند سازگاری بیشتری داشته باشند، هرچند سازگاری بالاتر به معنای رضایت بالاتر نیست. زنان شرکت کننده در پژوهش حاضر بیان کردند چون در زندگی زناشویی خود با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، آستانه تحملشان افزایش پیدا کرده و با راحتی بیشتری می‌توانند با مشکلات زندگی کنار بیایند. گاهی افراد وقتی در زندگی سختی‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند، دیگر به مسائل جزئی ممکن است واکنش شدید نشان ندهند و فکر کنند این موردی نیست که ارزش ناراحتی داشته باشد و این ممکن است که کمک کننده باشد برای افزایش آستانه تحمل و همچنین تحمل پریشانی در زندگی.

همچنین یکی دیگر از مضامین اصلی به دست آمده در پژوهش حاضر حمایت متقابل زوجین بود که نتایج پژوهش نشان داد که حمایت متقابل زوجین از همدیگر در این زنان و همسرانشان کم بود. طبق تحقیقات حمایت زوجین از یکدیگر یکی از عوامل اصلی رضایت زناشویی است (هاشمی گل مهر، امان الهی، فرهادی، اصلانی، رجبی، ۱۳۹۹). نتایج این پژوهش با نتایج (بلوچ، هاسی و لونسون^۱، ۲۰۱۴) و با نتایج (نیمتز^۲، ۲۰۱۱) و با نتایج (ربلو، جونیور و بریتو^۳، ۲۰۱۴)، با نتایج (کیچ و یالدرام، ۲۰۱۸) مبنی بر ارتباط حمایت متقابل زوجین با رضایت زناشویی آنان، همسو می‌باشد.

در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت زنان شرکت کننده در پژوهش به دلیل ارتباط نداشتن با خانواده اصلی خود به نوعی احساس می‌کردند بیشتر نیازمند حمایت از طرف همسر خود هستند. ولی آنچه بیان کردند این بود همسرشان در حد همان شرایط عادی نیز حمایتگری ندارند. حمایت متقابل یک رفت‌وآمد دوطرفه است که نیازمند بده بستان بین زوجین است (فرخی و اسلام‌زاده، ۱۳۹۹). البته نه الزاماً، یکی در مقابل یکی، ولی زوجین باید بتوانند در زندگی به خصوص شرایط سخت از همدیگر حمایت کنند. ازدواج یک

1. Bloch, L, Haase, C. M, & Levenson, L.R.

2. Nimtz, M. A.

3. Rebello, K, Junior, M, & Brito, C. S.

سیستم حمایتی برای فرد است و زوجین باید بتوانند علیرغم اختلاف نظرها، به خواسته‌های طرف مقابل توجه نشان دهند. زمانی که زوجین این حمایت متقابل را از همدیگر دریافت نمی‌کنند، ازدواج خود را ناموفق ارزیابی می‌کنند. یکی از دلایلی مربوط به حمایت که این زنان بیان کردند، اینکه همسرانشان قبل ازدواج به آن‌ها قول داده‌اند که مثل کوه پشت آن‌ها می‌مانند و جای خالی خانواده را برای آن‌ها پر می‌کنند. ولی آنچه در عمل در زندگی زناشویی نشان داده‌اند، مغایرت دارد با وعده‌های قبل ازدواج. اینکه چرا همسران حتی وظایف خود را در مورد حامی بودن به‌جا نمی‌آورند خود نیازمند تحقیقات جداگانه- ای است، اما شرکت‌کنندگان از دلایل خود برای این قصور، به نداشتن ارتباط با خانواده خود اشاره کردند که همسر را مقصر این اتفاق می‌دانند و می‌گفتند او باعث شده که خانواده من حاضر به دیدن من نیستند. در جمع‌بندی مباحث مربوط به پژوهش حاضر می‌توان گفت زوجینی که بدون رضایت والدین و خانواده ازدواج می‌کنند با مشکلاتی روبرو هستند از جمله حمایت‌های عاطفی، روانی و مالی خانواده‌ها را از دست می‌دهند. حمایتی که زوج جوان در مواقع بحرانی به آن احتیاج دارد. گسستن از خانواده باعث می‌شود، انتظار زن و شوهر از همسر خود برای جبران کمبودهای عاطفی زیاد شود. مسئله خانواده موردی نیست که به‌راحتی قابل چشم‌پوشی باشد و همراهی نکردن خانواده مشکلات فراوانی را برای زوج‌ها به وجود می‌آورد. حضرت علی (ع) می‌فرماید «هیچ کس نمی‌تواند، حتی با وجود ثروت بی‌شمار، بدون خانواده و بدون حمایت عملی و زبانی آن‌ها موفق شود. آن‌ها مهم‌ترین افراد در حراست از وی هستند که می‌توانند در اطراف وی گردآمده و به هنگام بروز فاجعه وی را دل‌داری دهند. رابطه خونی خویشاوندی را به هیچ قیمتی از دست ندهید و از این کار خود خجل مباشید. کسی که از قبیله‌اش دست می‌کشد تنها یک‌دست را از آنجا گرفته ولی دست‌های بسیاری را از خود دور کرده است» (ص، ۳۰). اثر خانواده بر اشخاص از تمام نیروهایی که تا حال شناخته شده بیشتر است؛ یعنی اثر خانواده فراتر از اثر فرهنگ، جامعه، دنیای کار، دوستان، نزدیکان و امثال آن‌هاست (ثنائی، ۱۳۷۸). یک مطلب مهم مورد اشاره در این و شاید یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین علت مشکلات در زندگی زناشویی زوجینی که بدون رضایت والدین ازدواج کرده‌اند، بحث

ارتباط نداشتن با خانواده خود است که در همه ابعاد زندگی اثرگذار است و به شکلی زندگی این افراد را دچار اختلال می‌کند. در همه دنیا بخصوص فرهنگ شرقی از جمله ایران، خانواده از جایگاه مهمی برخوردار است، زمانی یک نفر تحت تأثیر احساسات حاضر به قطع این ارتباط می‌شود، به پیامدهای آن در زندگی بی‌توجهی کرده و بعدها با مشکلات فراوانی روبرو می‌شود. مسئله رضایت خانواده و والدین امری مهم در فرهنگ ایرانی بوده، به طوری که بایستی زوجین در حین انتخاب و تصمیم خود برای ازدواج، این مهم را مورد توجه ویژه قرار دهند که آثار منفی آن در زندگی نمود پیدا نکند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از رضایت زناشویی پایین، احساس تنهایی بالا و حمایت متقابل بالا بود؛ و نیز تحمل پریشانی در این افراد افزایش یافته بود. آنچه از نتایج استنباط می‌شود؛ دختران برای ازدواج‌های که با مخالفت خانواده روبرو است، باید تأمل بیشتری کنند. تصمیم‌گیری نسنجیده و کنار گذاشتن خانواده برای زوجین ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به شرکت‌کنندگانی اشاره کرد که حاضر به مصاحبه نشدن و ما از نظر این افراد بی‌خبر ماندیم. هرچند در بین افراد شرکت‌کننده تنوع‌های به لحاظ سنی، تحصیلاتی، طبقه اجتماعی-اقتصادی به طوری بود که این مسئله را کمرنگ کرد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش عدم کنترل داشتن فرزند و مدت ازدواج بود که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این نکته مورد توجه پژوهش‌گران قرار گیرد. با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های اجرایی برای ازدواج‌های بدون رضایت خانواده تدابیر بیاندیشد؛ مانند جلسات مشاوره پیش از ازدواج در چندین جلسه با مشاورین متخصص، جلسه مشاوره با خانواده زوجین به خصوص با خانواده دختر.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش مسائل اخلاقی همچون محرمانه ماندن اطلاعات شخصی، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش مدنظر محققان بوده است.

منابع

- ابراهیم‌پور، داود (۱۳۹۵). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ نسبت به تفاوت ارزش‌های اجتماعی آنان با والدین در رابطه با خانواده و ازدواج، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، ۷(۲۵): ۹۵-۱۱۴
- ابراهیمی، نازیلا؛ کرایبی، امین؛ عباس‌پور، ذبیح‌اله؛ شهبازی، مسعود (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجیگری مؤلفه‌های افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد تحصیلات تکمیلی، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۳۹(۳۹).
- پاک خصال، اعظم؛ سیف‌الله، سیف‌اللهی؛ میرزایی، خلیل (۱۳۹۹). بررسی رابطه‌ی احساس تنهایی، حمایت ادراک‌شده و رضایت زناشویی با استفاده از شبکه‌های مجازی در بین زوجین تهرانی، مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷): ۱۵۱-۱۷۳.
- ثنائی، باقر (۱۳۷۸). نقش «خانواده اصلی» در ازدواج فرزندان، نشریه تازه‌ها پژوهش‌های مشاوره، ۱(۲): ۲۱-۴۶
- جواهری محمدی، مریم؛ کلانتر کوشه، سید محمد؛ فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۴). مقایسه‌ی رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی شهر تهران، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۸(۲).
- خجسته‌مهر، رضا؛ محمدی، رزگار (۱۳۹۵). تجربه خوشبختی در ازدواج‌های پایدار: یک مطالعه کیفی، مجله روان‌شناسی خانواده، ۳(۲): ۵۹-۷۰.
- خدادادی سنگده، جواد (۱۴۰۰). شناسایی دلایل شکل‌گیری تعارض زناشویی در دوران عقد، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲(۴۸): ۵۴-۲۵.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش (۱۳۹۴). پیش‌بینی ازدواج موفق: نقش عوامل زناشویی مؤثر بر بافت فرهنگی - اجتماعی، مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۴(۲۹).
- درخش، علی؛ اصلانی، خالد؛ کرایبی، امین (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰(۱): ۹۷-۷۳.

شکری، آرزو؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ دوکانه‌ای فرد، فریده (۱۴۰۰). مدل یابی ساختاری قدرت ایگو با موفقیت شغلی و میانجیگری رضایت زناشویی و عزت نفس. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲ (۴۵): ۲۳۸-۲۱۳.

عباسی، خیام؛ قلی‌پور، میترا (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (مطالعه مورد: شهرستان مسجد سلیمان در ۱۳۹۶). مجله زن و مطالعات خانواده، ۱۲ (۴۳).

علی ابن ایطالب (ع) (۱۳۶۶) در از ظهور تا سقوط، ج. ۱. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

فرخی، الهام؛ اسلام زاده، بابک (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های ارتقاء صمیمیت زوج‌ها: یک تحلیل کیفی، فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره انجمن مشاوره ایران، ۱۹ (۷۶): ۱۷۲-۲۰۸.

کیانی، اردشیر؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، خدابخش؛ تقوایی، داود (۱۴۰۰). فراترکیب عوامل استحکام‌بخش و خطر ساز ازدواج در دهه اخیر در ایران، فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره انجمن مشاوره ایران، ۲۰ (۷۷): ۴-۳۷.

محمودپور، عبدالباسط؛ شیری، طاهره؛ ذوالفقاری، شادی (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۱ (۴۲): ۱۲۱-۱۴۱.

محمودپور، عبدالباسط؛ فرحبخش، کیومرث؛ حسینی، به‌رزان؛ بلوچ‌زاده، الهام (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان بر اساس شیوه‌های دل بستگی، خودشکفی و تحمل پریشانی، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۸ (۲۵).

محمودیان، حسین؛ محمودیان، سراج‌الدین؛ شهریاری، سهیلا (۱۳۹۴). ازدواج خویشاوندی، تفاوت‌های بین نسلی و عوامل پشتیبان آن در کرمانشاه، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲ (۱): ۱۴۵-۱۶۶.

هاشمی گل‌مهر، مجید؛ امان‌الهی، عباس؛ فرهادی، حمید؛ اصلانی، خالد؛ رجبی، غلامرضا (۱۳۹۹). ارائه الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی، فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره انجمن مشاوره ایران، ۱۹ (۷۶): ۱۴۱-۱۷۱.

- Adamczyk, K (2017). *Direct and indirect effects of relationship status through satisfaction with relationship status and fear of being single on Polish young adults' well-being. Personality and Individual Differences*, 111, 51-57. *Adolescence and Youth*, 24:3, 297-306, DOI: 10.1080/02673843.2018.1528167.
- Arocho, R. & Kamp Dush, C. M (2018). *Distant horizons: Marital expectations may be dampened by economic circumstances. Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 7 (1), 1–11.
- Bergman, Y.S. Segel-Karpas, Y. (2018). *The connection between subjective nearness-to-death and depressive symptoms: The mediating role of meaning in life. Psychiatry Research*, 261: 269-273.
- Bloch, L. Haase, C. M. & Levenson, R. W (2014). *Emotion regulation eeeii tt miii tal ttt isfctio:: Moeeth wivss 'tlll .. Emotion*, 14(1), 130-144.
- Brock, R.L. & Lawrence, E. (2008) "A longitudinal investigation of stress spillover in marriage: Does spousal support adequacy buffer the effects?". *Journal of Family Psychology*. 22(1), 11–20
- Brunes, A. Hansen, M. B. & Heir, T. (2019). *Loneliness among adults with visual impairment: prevalence, associated factors, and relationship to life satisfaction. Health and quality of life outcomes*, 17(1), 24-31. [DOI:10.1186/s12955-019-1096-y] [PMid:30709406] [PMCID:PMC6359849]
- Brunes, A. Hansen, M. B. & Heir, T. (2019). *Loneliness among adults with visual impairment: prevalence, associated factors, and relationship to life satisfaction. Health and quality of life outcomes*, 17(1), 24-31. [DOI:10.1186/s12955-019-1096-y] [PMid:30709406] [PMCID:PMC6359849]
- Çağ, P.& Yıldırım, İ (2018). *The mediator role of spousal self-disclosure in the relationship between marital satisfaction and spousal support. Educational Sciences: Theory & Practice*, 18, 701–736.
- Ditzen, B. Hahlweg, K. Fehm-Wolfsdorf, G. & Baucom, D (2011). *Assisting couples to develop healthy relationships: effects of couples relationship education on cortisol. Psycho neuroen doocrinology*. 36(5): 597-607.
- Gollwitzer, A. Wilczynska, M. & Jaya, E (2018). *Targeting the link between loneliness and paranoia via an interventionist-causal model framework. Psychiatry Research*, 263(1), 101-107.
- Gollwitzer, A. Wilczynska, M. & Jaya, E. (2018). *Targeting the link between loneliness and paranoia via an interventionist-causal model framework. Psychiatry Research*, 263(1), 101-107.
- Hajihassani, M. Sim, T (2019). *Marital satisfaction among girls with early marriage in Iran: emotional intelligence and religious orientation.*

- International Journal of Adolescence and Youth. 24:3, 297-306.
<https://doi.org/10.1080/02673843.2018.1528167>
- Halat MI, Hovardaoğlu S (2010). *The relations between the attachment styles, causality and responsibility attributions and loneliness of the married couples in the context of the investment model*. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2010 Jan 1;5:2332-7.
- Hsieh, N. & Hawkley, L. (2017). *Loneliness in the older adult marriage: Associations with dyadic aversion, indifference, and ambivalence*. Journal of Social and Personal Relationships, 0265407517712480. [DOI:10.1177/0265407 517712480]
- Janjani, P. Haghazari, L. Keshavarzi, F. & Rai, A. (2017). *The role of self-compassion factors in predicting the marital satisfaction of staff at Kermanshah University of medical sciences*. World Family Medicine Journal, 15(7), 83-88. doi:10.5742/
- Johnson, K.D. (2015). *Marital Expectation Fulfillment and its Relationship to Height of Marital Expectations, Optimism, and Relationship Self-Efficacy Among Married Individuals*. Andrews University Dissertation, Dissertations. Paper, 1573.
- Lee, C. Y. S. & Goldstein, S. E (2016). "Loneliness, stress, and social support in young adulthood: Does the source of support matter?" Journal of Youth and Adolescence, 45(3).
- Leyro, T, Zvolensky, M. Bernstein, A (2010). *Distress tolerance and psychopathological symptoms and disorders: a review of the empirical literature among adults*. 136(4):576-600. doi: 10.1037/a0019712.
- Mamoğlu, O. Ads, M. Weisfeld, C (2019). *What Is the Impact of Choosing O'''' unuuee Mrritll ttt ffatti ff Wiee Hsssssss ssee Case of Arranged and Self-Choice Turkish Marriages*. Journal of Family Issues 40(10) 1270–1298
- Moeller, R.W. Seehuus, M (2019). *Loneliness as a mediator for college students' social skills and experiences of depression and anxiety*. Journal of Adolescence, 73: 1-13.
- Nietzel, M. T & Harris, M. J (2008). *Creative ways to keep romance alive*. <http://www.heartnhome.com>
- Nimtz, M. A. (2011). *Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study*. A Dissertation Presented for the Degree Doctor of Philosophy. Liberty University.
- Otero, M. C. Wells, J. L. Chen, K. H. Brown, C. L. Connelly, D. E. Levenson, R. W. Fredrickson, B L. (2020). *Behavioral indices of positivity resonance associated with long-term marital satisfaction*. Emotion, 20(7), 1225-1233.

- Pananakhonsab, W. (2019). *Migration for love? Love and intimacy in marriage migration processes*. Emotion, Space and Society. [DOI:10.1016/j.emospa.2019.03.001]
- Polit, D. F. & Beck, C. T (2006). *Essentials of Nursing Research*. Philadelphia: lippincott Co.
- Rebello, K. Junior, M & Brito, C, S (2014). *Fundamental Factors in Marital Satisfaction: An Assessment of Brazilian Couples*. Federal University of Pará—UFPA, Belém, PA, Brazil. Psychology, 5, 777-784. Published Online May 2014 in SciRes.
- Schoenfeld, E. A. Loving, T. J. Pope, M. T. Huston, T. L. & Štulhofer, A. (2017). *Does sex really matter? Examining the connections between sssss s'' neeeaaal aaaai sss sxxaal feeuuccc eexlll atiffatt inn, and marital satisfaction*. Archives of Sexual Behavior, 46(2), 489–501.
- Spino, E. Kameg, K.M. Cline, T.W. Terhorst, L. Mitchell, A.M. (2016). *Impact of Social Support on Symptoms of Depression and Loneliness in Survivors Bereaved by Suicide*. Archives of Psychiatric Nursing, 30(5): 602-606.
- Strozier, A. L. (2012). *The effectiveness of support groups in increasing social support for kinship caregivers*, Children and Youth Services Review, 34(5): 876-881
- Taniguchi, H. Kaufman, G. (2014). *Gender role attitudes, troubles talk, and marital satisfaction in Japan*. Journal of Social and Personal Relationships. 31(7) 975–994. <http://spr.sagepub.com/content/31/7/975>
- Tong, W. Jia, J. He, Q. Lan, J. & Fang, X (2021). *The trajectory of marital satisfaction among Chinese newlyweds: Intrapersonal, interpersonal, and stress predictors*. Developmental Psychology, 57(4), 597–608. <https://doi.org/10.1037/dev0001156>

استناد به این مقاله: مرادی، زهرا، صدری دمیچی، اسماعیل، کشاورز افشار، حسین، درگاهی، شهریار. (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان متأهل دارای ازدواج بدون رضایت والدین: یک مطالعه پدیدارشناسی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۰)، ۲۲۵-۲۵۲.

DOI: 10.22054/QCCPC.2022.63562.2792



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...